

مجموعه داستان کوتاه

در دسر

تألیف:

توفیق الحکیم

ترجمه:

دکتر مهدی شاهرخ

(استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران)

دکتر حسین شمس آبادی

(دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری)



انتشارات دار الهدایه
تهران، ۱۳۹۵ هجری

سرشناسه	حکیم، توفیق، ۱۹۰۲ - ۱۹۸۷ م. Tawfiq.Hakim
عنوان قراردادی	لیله الزفاف. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	دردسیر / تالیف توفیق الحکیم؛ ترجمه مهدی شاهرخ، حسین شمس آبادی.
مشخصات نشر	تهران: دارالهدایه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۵۶ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۱۵۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۱۵۱-۰-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	بالای عنوان: مجموعه داستان کوتاه.
عنوان دیگر	مجموعه داستان کوتاه.
موضوع	داستان‌های کوتاه عربی -- قرن ۲۰ م. -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	Arabic, Short stories -- 20th century -- Translations into Persian :
موضوع	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از عربی
موضوع	Persian, Short stories -- 20th century -- Translations from Arabic :
شناسه	شاهرخ، مهدی، ۱۳۶۱ - مترجم
شنا افزوده	شمس آبادی، حسین، ۱۳۴۹ - مترجم
رد بندی کرده	۴۸۵۸ PJA ۱۳۹۵ ۹۰۳۳ ل ۴۹ /
رده بندی دیوید	۸۹۳/۷۱
شماره کتابخانه ملی	۵۵۵۰۱۵
یادداشت	فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.

ناشر: تهران، انتشارات زلف، آذرماه ۱۴۰۱، ۹۹۰۴۸۰۶۳۸۵-۰۹۱۱۳۹۳۰۸

این کتاب ترجمه‌ای است از:



لیله الزفاف

توفیق الحکیم

مهدی شاهرخ، حسین شمس آبادی

۱۳۹۵

اول

رقعی / ۱۵۰ صفحه

جلد ۱۰۰۰

۱۵۰۰۰ تومان

مؤلف:

مترجمان:

تاریخ نشر:

نوبت چاپ:

قطع و صفحه:

شمارگان:

قیمت:

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

www.drtaghizadeh.7gardoons.com

drtaghizadeh@yahoo.com - drtaghizadeh2@gmail.com

سایت اینترنتی:

نشانی ایمیل:

ISBN: 978-600-97151-0-7



796009 715107

فهرست

۷	سخن مترجم
۱۱	پیشگفتار زنده
۱۳	شب عروسی
۳۱	رانده از بهشت
۵۱	مرغ همسایه غاز است
۵۹	مدرسه غافلان
۶۷	شیخ بلیسی
۷۵	شیطان پیروز می‌شود
۸۱	بخت و اقبال
۱۰۳	کلیوباترا و ماک
۱۱۹	دردسر
۱۲۱	قایق خورشید



سخن مترجمان

توفیق الحکیم از بهترین شخصیت‌هایی است که توانسته جانی تازه به ادبیات معاصر عرب ببخشد. او قلمی است که خلق شده تا ادبیاتی برجسته را در میان آداب جهانی رقم بزند. وی نویسنده‌ای است که با افق فکری باز به تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نظر دارد؛ انسان آزاده‌ای است که با تقلید و خشک‌مغزی بیگانه است. توفیق به انسانیت به عنوان دینی کامل می‌نگرد. قاضی صریح، صادق و بدور از تکلف و تصنع است. توفیق با وجود انزوا، عزلت، آرامش و تأمل ظاهری‌اش، اما همیشه با روحیه‌ای نگران و پریشان‌رنگ روبرو شده است.

توفیق الحکیم

وی در سال ۱۹۰۱، در اسکندریه مصر دیده به جهان گشود، پدرش در مرکز السنطه وکیل بود. مادرش هم از شخصیتی قوی برخوردار بود، به طوری که در زمانی که کمربندی خاندان و نوشتن می‌دانست، مادرش می‌توانست بخواند و بنویسد. توفیق با نودکی از سلامتی خوبی بهره‌مند نبوده و از بیماری‌های زیادی رنج می‌برد. پدرش به خاطر شغلش سفرهای زیادی داشت و در نتیجه این سفرها، پسرش با بازگشت از این شهر به آن شهر می‌گشاند و او را آواره این مکتب‌خانه و آن مدرسه می‌کرد. در سال ۱۹۱۰ میلادی پدرش قاضی شهر دسوق شد و وی به مدرسه ابتدایی آن، مدرسه جمعیت خیریه اسلامی پیوست و شاید آن‌جا بود که استعداد ذهنی و عقلی و هنری‌اش شروع به شکفتن کرد. ده ساله بود که پدرش قاضی کلان‌شهر قاهره شد، لذا وی به مدرسه ابتدایی محمد علی پاشا رفت. در این مدرسه توفیق در ابتدا شیفته هنر نقاشی و سپس موسیقی، و بعدها با تمام وجود عاشق هنرهای نمایشی چون تئاتر شد؛ شاید به این خاطر که آن زمان قاهره از تئاتر، نمایشنامه‌نویس، گروه‌های نمایشی، رمان‌نویسان و مترجمان آکنده و سرشار بود.

اما امور همیشه مطابق میل آدمی پیش نمی‌رود، پدر توفیق به دمنهور منتقل و در روستایی ساکن شد. در نتیجه توفیق همراه پدر با کالسکه به شهر می‌رفت، پدر برای قضاوت و پسر برای تحصیل. در این زمان مادر بزرگ توفیق برای وی الاغ مشهورش را خرید. الاغی که در داستان‌ها و افکار وی نقش برجسته‌ای پیدا کرد و عنوان دو کتاب وی را به نام‌های «الاغ حکیم» و «الاغ به من گفت»، به خود اختصاص داد. چنان‌چه گذشت، توفیق از ستمی خوبی بهره‌مند نبود و به بیماری‌های زیادی مبتلا شد. در دوره‌ای چشم راستش دچار ناراحتی شده و مجبور شد به اسکندریه برود. در حقیقت در اسکندریه بود که بررسی و توجه حقیقی‌اش به ادبیات عربی شکل گرفت. دوره راه‌پیمایی به نام کرد، به قاهره رفت تا دوره دبیرستان را بگذراند، در آنجا توفیق شبانه به برج اوس و گروه نمایی او شد که آن زمان، در تئاتر مصر در اوج بودند. او به تئاتر و نمایش او را از درس و مدرسه باز نداشت و توفیق توانست درک و بلم گرفته و سپس مشغول خواندن حقوق در مقطع کارشناسی شود. پس از کارشناسی هم برای ادامه تحصیل در رشته حقوق به فرانسه رفت، اما نتوانست حقوق را ادامه دهد؛ زیرا ادبیات و هنر به شدت او را به سوی خود کشیدند. توفیق تحت‌تاثیر تکمیلی را در فرانسه نیمه‌کاره رها کرده و به قاهره بازگشت و به تداوم پدرش، ایند شغل وکالت شده و بعدها توانست در مقام دادستان به کار خود ادامه دهد. سال ۱۹۵۴ هم عضو فرهنگستان زبان و ادب شد.

کارنامه ادبی توفیق

توفیق الحکیم در اندیشه و هنر، از غنی‌ترین ادبای زمانه خود بود؛ زیرا توانست تألیفات متعددی بنگارد که آکنده از شناخت، دقت نظر و باریک‌بینی است. از جمله کتاب‌های او عبارتند از:

الف) کتاب‌های فکری و فلسفی:

زیر خورشید اندیشه (۱۹۵۴)، از بُرج عاجی (۱۹۴۱)، زیر چراغ سبز (۱۹۴۲)، سلطان تاریکی (۱۹۴۲)، گل عمر (۱۹۴۴)، از ادبیات (۱۹۵۲)

ب) کتب داستان کوتاه:

تاریخ زندگی معده (۱۹۵۲)، راقصه معبد (۱۹۴۰)، عهد شیطان (۱۹۴۲)،
داستان‌های توفیق الحکیم ج ۱ و ۲ (۱۹۴۹)، درخت حکومت (۱۹۴۵)، ليله
الزفاف (همین کتاب)

ج) رمان‌هایی با مضامین اجتماعی، ملی و اصلاح گرایانه:

بازگشت روح / ج ۲ (۱۹۳۳)، خاطرات یک وکیل در روستا (۱۹۳۸)، گنجشک
شبی (۱۹۵۹)، کاروانسرای مقدس (۱۹۴۴)، الاغ حکیم (۱۹۴۰)

د) نمایشنامه‌های وی دو دسته‌اند:

سازنی: مه م (۱۹۳۶) و اجتماعی و سیاسی: نمایشنامه‌های حکیم
ج ۲ (۱۹۷۱) / نمایشنامه‌ها (۱۹۵۰)

* نمایشنامه‌ها را به‌طور عمده محور و بیانگر گرایش‌های فکری و انسانی توفیق:
شهرزاد (۱۹۳۴)، اصل کف (۱۹۳۳)، براکسا (۱۹۳۹)، بجمالیون (۱۹۴۴)،
سلیمان حکیم (۱۹۴۳)، مادام اودب (۱۹۴۸)
دیگر تألیف‌ها:

سرود سروده‌ها (۱۹۴۰)، اهل سر، دزد جادو شده با همکاری دکتر طه
حسین، مقالات منتشر شده در مطبوعات.

درباره کتاب

بیشتر داستان‌های کوتاه این کتاب داستان‌های فلسفی‌اند، اساس
اندیشه‌ای را که توفیق در این مجموعه دنبال می‌کند، می‌توان این گونه
صورت‌بندی کرد:

ردّ مظاهر واپسگر و عقب‌ماندگی، شوریدن علیه خرافاتی که مانع از
مردم ریشه دوانده است، تقدیر و نقش مؤثر آن در زندگی انسان‌ها، نوعی
جبرگرایی و توسل به امدادهای غیبی، تناسخ ارواح، نگرش بدبینانه نسبت به
زن، مکافات دنیوی بر این مبنا که دنیا مکان عذاب و ثواب است.

اصلاح‌طلبی و تلاش برای ایجاد تغییر و تحول اوضاع اجتماعی، باور به نوعی اندیشه اگزیستانسیالیستی و اصالت وجود، تمسخر توده‌ها و نگرش کاریکاتوری به جامعه.

سخن آخر

این کتاب ترجمه کتاب «لیلة الزّفاف» توفیق الحکیم است که در اصل نام یکی از داستان‌های این مجموعه داستانی است که بنا بر اسلوب تسمیه برء به کل، توسط نویسنده کتاب، به عنوان نام کلّ این مجموعه داستانی برگزیده است. بنا بر رعایت برخی مصالح، مترجمان بهتر دیدند که عنوان این باب در برگردان فارسی آن، تغییر یافته و نام یک داستان دیگر این مجموعه به عنوان نام کلّ این مجموعه داستانی انتخاب گردد. از همین رو، نام «دردسر» که از آخرین داستان‌های این مجموعه داستان کوتاه است، برای برگردان فارسی این مجموعه داستانی توفیق الحکیم برگزیده شد. همچنین ترجمه یکی از داستان‌های این مجموعه به نام «قصه دنیا» در ترجمه این مجموعه داستانی، منتسب به مترجمان گردید.

در ترجمه این اثر گران سنگ توفیق حکیم، علی‌رغم برخی حذف‌ها یا تغییراتی که به ناچار باید صورت می‌گرفت — به جهت مکان تلاش شد، در غرض و مقصود و نیز در سبک نویسنده امانتداری شد. به این خاطر چون کتاب به زبان فصیح عربی بود، تلاش شد برگردان آن به گونه‌ای باشد؛ ولی با این وجود، مترجمان بر آن بوده‌اند که متن، از زبان روز به روز متغیّر مترجمان از خوانندگان، استادان و اهالی نظر و فن، خاضعانه رخنه‌ها را ندارند اگر در ترجمه اشتباه و خطایی هست که از زیر قلم قرمز مترجمان بران گریختن پیدا کرده، با بیان آن به انتشارات محترم «دار الهدایة» آن‌ها را در کامل‌تر کردن این اثر یاری دهند.

مترجمان

دیماه ۱۳۹۵ هـ ش

پیشگفتار نویسنده

اکثر داستان‌های این کتاب بر اساس رخدادهایی واقعی در جوامع عربی نگاشته شده و برخی دیگر انعکاسی از رویدادهای زندگی بشری است. میان به تصویر کشیدن جامعه و به تصویر کشیدن زندگی تفاوت‌هایی هست، تصویرپرداز جامعه اگر اراده‌ای مبتنی بر شناخت خود داشته باشد، باید به مشاهدات و شناخت خود از جامعه مقید باشد و زینده نیست نویسنده به مناب‌ات طبقه اجتماعی بپردازد که آن را نمی‌شناسد.

مشاهده واقعیت یکی از شروط تصویرپردازی اجتماعی است، ولی به تصویر کشیدن زندگی داستان دیگری دارد؛ زیرا زندگی اعم از واقع است. زندگی بشری امری واقعی و غیرواقعی شامل می‌شود، زیرا زندگی انسان برخلاف زندگی گیاه و حیوان فقط حد و مرز مادی ندارد و نواحی گوناگون را؛ خواه واقعی و خواه غیرواقعی؛ چه مادی و چه معنوی در برمی‌گیرد.

شاید عظمت داستان‌ها و تأثیراتش کسب‌پیر مربوط به احاطه کامل او بر غرایز، احساسات، تخیلات، اوهام، افکار، مود و در زندگی بشری باشد؛ چه این دنیایی باشد و چه خاص جهان پس از آن.

انسان عجیب‌ترین نوع زندگی در میان مخلوقات دارد، چرا که ژرف‌ترین مفهوم در این جهان است. داستان کوتاه به عنوان یکی از انواع هنری، می‌بایست بر ساخته امور انسان در زندگی اجتماعی‌اش باشد؛ از این رو آفرینش داستان کوتاه دشوار است، از این جهت که مانند سنامه و شعر موجز و متمرکز است.

این تمرکز، همان عنصری است که ناظران ادبی مهم جهان امروز را آن به عنوان اختصار هنر آینده یاد می‌کنند. لذا ادبیات آینده، دیگر تن به اسباب و درازه‌گویی نخواهد داد. خواننده امروز و فردا را برای درک صورت کلی و کامل از هر امری، تقریباً لمحهای گذرا کافیهست و امروزه اشاره‌ای موجز بهتر از درازه‌گویی ممل است.

خواننده امروز که در عصر هواپیماهای جت زندگی می‌کند، تحمل ندارد صدها صفحه مطالعه کند تا نسبت به یکی از شخصیت‌ها احاطه پیدا کند،

هرچند وجود رادیو و تلویزیون هم، وقتی برای خواننده باقی نمی‌گذارد که آن را - بنا بر قول اروپایی‌ها - صرف مطالعه کتابی قطور در کنار شومینه‌اش کند، چه کنج شومینه که در سایه آن رمان‌هایی چون رمان‌های بلزاک، فلویبر، داستایوسکی، تولستوی، سکوت، دیکنز و دیگران پا گرفتند؛ دیگر مانند گذشته فقط کتاب را با خود ندارند، امروزه انواع و اقسام هنرهای شنیداری، دیداری، برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی جای کتاب را گرفته‌اند.

سؤال مهم اینجاست که آیا با پایان قرن نوزده و اوایل قرن بیست عظمت و بزرگی رمان به پایان رسیده است؟

در چه به؟ ... قالب‌های نمایشنامه و داستان کوتاه به‌خاطر فشار، تمرکز، ایجاز و ... در خود دارند، به روح و قالب عصر امروزین ما و آینده نزدیک ترازند.

چه کسی می‌داند؟ شاید بخوبی روزگار بدین سان بچرخد و بلاغت در عرف جهان آینده همانند ادب‌ات گذشته، عربی، بلاغت ایجازی شود که عالم کنونی؛ یعنی جهان سرعت آن را اینجاب می‌کند. چنان که در گذشته برای عرب بیابانگرد، سرعت انتقال و جابجایی و مشغله‌هایی که در کوچ میان بیابان‌ها و صحراها با آن روبرو بود، این ایجاز را اجاب می‌کرد.

همان طور که سرعت در هر زمان و مکانی نسبت ادراک و دریافت موضوع و درک مطلب را در انسان رشد می‌دهد و به دنبال آن است که هنر، در تعامل و سازگاری با روح زمانه و زندگی، قالب‌هایی را برای گذر